

ارزیابی جرم‌انگاری بزه «اخفای اموال حاصل از جرم» در ایران، با نگاهی به رویکرد قوانین مجازات فرانسه و انگلستان

آرتور واغارشیان*

ابوالفضل عامری شهرابی**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۵/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۱۰

چکیده

اخفای اموال حاصل یا ناشی از جرم، عملی است که کم و بیش از سوی قانونگذاران غالب کشورهای دارای نظام‌های حقوقی «رومی ژرمنی» و «کامن‌لا» مورد جرم‌انگاری و کیفردهی واقع شده است. این عمل مجرمانه که نوعی مداخله در عواید مجرمانه پس از ارتکاب موفقیت‌آمیز آن توصیف می‌شود و مقدمه‌ای برای کسب منفعت از مجرای اموال موضوع جرم قلمداد می‌گردد، خود به‌طور غیرمستقیم و تبعی زمینه‌ساز تشویق بزهکاران به تکرار جرم می‌باشد. به همین خاطر، مقننین با التفات به این حقیقت و به منظور برهم زدن محاسبات عقلانی بزهکاران برای فروش اموال و اشیای حاصل از جرم و کسب منفعت از طریق آنها، با سخت‌گیری محسوس هرگونه مداخله در این اموال را چه از سوی شخص بزهکار و چه از سوی دیگران مجرمانه توصیف می‌نمایند. البته، به رغم وجوه اتحاد و انطباق محسوس در این زمینه که حول گفتمان «محدودسازی و دشوارسازی معاملات اقتصادی پیرامون اموال ناشی از جرم» میل می‌نماید، رویه و رویکرد نظام‌های حقوقی مختلف پیرامون این موضوع و وضعیت جرم‌انگاری اخفای اموال حاصل از جرم در جهات ملموس هم واجد سطوحی از تعایر و عدم انطباق می‌باشد. مع‌الوصف، در مقاله حاضر سعی شده است با تمرکز بر نظام حقوقی ایران، فرانسه و انگلستان ابعادی از وجوه اتحاد و تعایر فوق‌الذکر به تصویر کشیده شود و دریچه‌ای هرچند حداقلی به سوی بایسته‌های پیشگیری از هرگونه مداخله در حوزه معامله و اخفای اموال حاصل از جرم و مقابله کیفری با این پدیده گشوده شود.

واژگان کلیدی: جرم‌انگاری، اموال حاصل از جرم، اخفا، جرم مستقل.

*استاد دانشکده حقوق دانشگاه دولتی ایروان ارمنستان.

avagharshyan@ysu.am

**دانشجوی دکتری تاریخ و تئوری‌های حقوق و دولت دانشگاه دولتی ایروان ارمنستان (نویسنده مسؤل).

a_ameri60@yahoo.com

مقدمه

یکی از انگیزه‌های مهم در سوق دادن افراد به ارتکاب جرم، کسب اموال و سود حاصله از جرم است. بر اساس نظریه‌های «نفع‌طلبی» جرمی بن‌تام و «تحلیل اقتصادی جرم» گری بکر، چون مجرمین قبل از ارتکاب جرم، سود و زیان احتمالی آن را مد نظر قرار می‌دهند لذا وجود مجازات‌های مناسب می‌تواند از علل پیشگیری از ارتکاب بزه باشد. این هدف (کسب سود و منفعت از جرم) امری است که حتی در جرایمی که علیه اشخاص و امنیت و آسایش عمومی به وقوع می‌پیوندد مد نظر مرتکبین آنها قرار می‌گیرد؛ لکن متأسفانه با مذاقه در قوانین جزایی کشورمان ملاحظه می‌شود که در حقوق کیفری ایران بر خلاف سایر نظام‌های حقوقی، جرم‌انگاری و تعیین مجازات‌های مناسب در این‌گونه بزه‌ها مورد توجه قانونگذار قرار نگرفته است و در نتیجه شاهد آن هستیم که در سال‌های اخیر به دلیل عدم وجود تدابیر و رویه حقوقی منسجم، خصوصاً در حوزه تقنین عنصر قانونی، شیوع و گسترش جرایم اقتصادی از جمله «اخفای اموال حاصل از جرم» در کشور ما رو به گسترش و فزونی است و به نظر می‌رسد که لازم است قوه مقننه با تصویب قوانین متناسب و جرم‌انگاری این بزه متعاقباً دست به یک پیشگیری پیش‌دستانه زده و مرتکبین احتمالی این‌گونه جرایم را از ارتکاب آنها باز دارد.

از این رو، پرسش اصلی فرا روی این نوشتار عبارت از این است که آیا در وضعیت فعلی نظام حقوقی ایران می‌توان از نظام حقوقی پیش‌گیرنده مناسبی در حوزه مقابله با بزه «اخفای اموال حاصل از جرم» صحبت نمود یا خیر و حدود کاستی‌های موجود در این زمینه در قیاس با رویکرد کشوری چون فرانسه تا کجا است؟

۱. واکاوی رویکرد قوانین و نظریات حقوقی در رابطه با ماهیت بزه «اخفای

اموال حاصل از جرم»

عکس‌العمل‌ها و دیدگاه‌های قانونگذاران در قبال بزه «اخفای اموال حاصل از جرم» متفاوت است که می‌توان آنها را در سه دسته کلی جمع‌بندی نمود:

الف) در دیدگاه نخست، اخفای اموال حاصل از جرایم به عنوان جرمی مستقل تلقی نشده و بر این عقیده استوار است که این بزه، تداوم همان جرم اولیه و نشأت گرفته و در ادامه همان بزه نخست است و همان استرداد مال به متضرر از جرم و یا مصادره مال نامشروع

که از جرم نخست حاصل شده برای مبارزه با این جرایم کافی است و نیازی به جرم‌انگاری مستقل در خصوص اشخاصی که به اخفای این گونه اموال می‌پردازند، نیست. تفسیر فوق به نفع متهم است و هم‌اکنون در نظام حقوقی کشورمان دادرها و محاکم قضایی با تمسک به این تفسیر، به دلیل فقد عنصر قانونی راجع به این جرم، در اکثر جرایم نظیر ارتشا، خیانت در امانت، کلاهبرداری و ... مرتکبین بزه اخفای اموال حاصل از ارتکاب این جرایم را با صدور قرار منع تعقیب یا حکم برائت مورد محاکمه و مجازات قرار نمی‌دهند.^۱

ب) در دیدگاه دوم، مرتکب بزه «اخفای اموال حاصل از جرم» به نوعی معاون مرتکب بزه اصلی تلقی و مجازات می‌گردد. در تقویت این نظر می‌توان به وجود وحدت علم و قصد مرتکب بزه اصلی و مرتکب بزه اخفای مال حاصل از جرم اشاره نمود و بر این اعتقاد بود که مرتکب این بزه را باید به عنوان معاون جرم مبنا و مقدم مورد محاکمه قرار داد. گاهی قضات دادرها و محاکم کشورمان علی‌رغم عدم وجود نص قانونی لازم و به دلیل حفظ و صیانت از نظم عمومی و حقوق اشخاص و در جهت مجازات نمودن متهمین اخفاکننده اموال حاصل از جرایم سعی می‌کنند تا مرتکبین این نوع جرایم را تحت عنوان معاون جرم به مجازات برسانند^۲ که به نظر می‌رسد به دلیل عدم وجود اقتران زمانی بین ارتکاب بزه اصلی و بزه اخفای اموال حاصل از جرم و متقدم نبودن عمل مخفی‌کننده مال بر عمل مرتکب اصلی و به لحاظ این که اصولاً در ارتکاب بزه اخفای اموال حاصل از جرم، این بزه بعد از ارتکاب بزه اصلی صورت می‌گیرد، این استدلال مخدوش و غیر قابل اتکا باشد.

پ) در دیدگاه سوم، «اخفای اموال حاصل از جرم» به عنوان جرمی مستقل از جرم مبنا و مقدم تلقی می‌شود، خصوصاً وقتی که این بزه از سوی شخصی غیر از مرتکب بزه اصلی ارتکاب یافته باشد. این نظر بر باورهای پیروان مکتب «عدالت مطلق»^۳ استوار است که بر

۱. برای نمونه، شعبه ۱۰۷ دادگاه کیفری دو شهرستان اراک با همین استدلال طی دادنامه شماره ۴۸۴-۹۴ مورخ ۹۴/۱۱/۲۹ به دلیل عدم جرم‌انگاری این جرم، حکم بر برائت احد از متهمین در پرونده کلاسه ۹۴۰۹۶۴ صادر نموده است.

۲. برای نمونه، شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان گلپایگان طی دادنامه شماره ۶۷۶-۹۵ مورخ ۹۵/۱۱/۶ با همین استدلال، حکم بر محکومیت متهم به دلیل ارتکاب بزه معاونت در سرقت مشدد صادر نموده است.

۳. مکتب «عدالت مطلق» یکی از مکاتب مهم حقوق جزا است که آرا و عقاید خویش را مبتنی بر چند اصل ثابت اخلاقی بنا نهاده است. از پیشگامان این مکتب می‌توان از افلاطون، ارسطو، دومیتر و کانت نام برد. این مکتب معتقد به اصول ثابت

طبق آن، مرتکب برای ارتکاب هر جرمی باید به مجازات علی‌حده‌ای برسد؛ زیرا این مقتضا و لازمه اجرای عدالت است.

در مورد نظام حقوقی ایران بایستی بگوییم که قانونگذار کشورمان با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و در ماده ۱۳۴ آن چرخشی به اعمال نظریه اخیر با کمی تعدیل داشته است؛ یعنی نظام کیفری ایران با پذیرش قاعده تعدد مجازات‌ها و اعتقاد به تعیین مجازات مستقل برای هر بزه، نظر بر استقلال مجازات داشته است (مصدق، ۱۳۹۲، صص ۲۶۴ و ۲۹۳). البته، فرض استقلال مجازات بزه اخفای اموال حاصل از جرم و بزه اصلی، در جایی مفید و مؤثر است که برای بزه اخفای اموال حاصل از جرم، عنصر قانونی وجود داشته باشد که هم اکنون به دلیل عدم وجود قانون لازم، بیشتر مرتکبین این‌گونه جرایم قابل تعقیب و مجازات نیستند. به هر حال، در صورت وجود قانون لازم و جرم‌انگاری آن از سوی قانونگذار بدیهی است چنانچه شخصی نسبت به اخفای اموال حاصل از جرم مبادرت ورزد می‌توان حسب مورد وی را مورد مجازات قرار داد.

بنابراین، تغییر رویکرد قانونگذار ایرانی در مجزا تلقی نمودن بزه «اخفای اموال حاصل از جرم» از جرم اصلی مشهود است و این رویه را هم می‌توان از تصویب بندهای الف، ب و ج ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶ و هم مواد ۱۳۲ الی ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، با تبعیت از ۴۹ قانون اساسی دریافت.

۲. تعریف و مفهوم‌شناسی جرم اخفای اموال حاصل از جرم

به عنوان یک رویه مألوف، حقوقدانان جرایم را به سه دسته اصلی شامل جرایم علیه

اخلاقی است که می‌تواند سعادت و خیر بشر را تأمین کند. بر اساس نظریات این فلاسفه، وظیفه هر انسانی اعاده نظم اخلاقی است و اگرچه حتی خود شخص مرتکب جرم شود باید با طیب خاطر به استقبال مجازات رود. چنین فردی، ظلم مضاعف کرده است؛ زیرا تنها از رنج ظاهری کیفر فرار کرده و عدالت یا اجرای مجازات دارویی است که روح را تزکیه می‌کند و کیفر در حقیقت کفاره گناهان است.

۱. ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر داشته است: «در جرایم موجب تعزیر هرگاه جرایم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد دادگاه برای هریک از جرایم حداکثر مجازات قانونی را حکم می‌کند و هرگاه جرایم ارتكابی بیش از سه جرم باشد، مجازات هریک را بیش از حداکثر مقرر قانونی مشروط به اینکه از حداکثر به اضافه نصف تجاوز نکند، تعیین می‌نماید. در هر یک از موارد فوق فقط مجازات اشد قابل اجراء است و اگر مجازا اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل یا غیرقابل اجراء شود، مجازات اشد بعدی اجراء می‌گردد...».

اموال، جرایم علیه اشخاص و جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی تقسیم می‌نمایند که بدون شک در این تقسیم‌بندی، بزه اخفای اموال حاصل از جرم اقتصادی در زمره گروه نخست یعنی جرایم علیه اموال جای می‌گیرد؛ زیرا نتیجه مجرمانه آن علیه مالکیت اموال است. مع‌الوصف، به نظر نگارنده در تعریف بزه اخفای حاصل از جرم می‌توان گفت: فعلی است که طی آن بزه‌کار از طریق قبول و تحصیل مال حاصل از جرم، مبادرت به اخفای آن به نفع شخص دیگری و علیه مالکیت مالک آن می‌نماید و متضرر را از دسترسی به مال خویش محروم می‌سازد.

البته، با فرض وجود و اثبات سوء نیت، علت پذیرش و اخفای مال حاصل از جرم از سوی مرتکب مهم نیست و می‌تواند علت قبول نمودن اموال حتی به عنوان امانت و امثال آن باشد، با این توضیح که بدون شک اخفاکننده مال باید آگاه به حصول مجرمانه آن از طریق مرتکب اصلی باشد و همچنین ضروری است که بزه‌کاری مرتکب بزه اصلی نیز احراز شود. بنابراین، مثلاً اگر مختلس از اتهام اختلاس تبرئه شده باشد شخصی که مال ناشی از اختلاس را مخفی نموده باشد قابل مجازات نیست.

۳. مبانی و فواید جرم‌انگاری عمل اخفای اموال حاصل از جرم

در تمامی کشورها از گذشته‌های بسیار دور تاکنون صرف‌نظر از نوع حکومت‌های آنها، این بینش وجود داشته است که شخص مجرم می‌بایست مجازات گردد و مکاتب حقوقی و فکری هر یک بر طبق بینش و نگرش خود به اهداف مجازات‌ها همچون ترساندن، سزا دادن و اصلاح دادن پرداخته‌اند (استفانی، لواسور و بولوک، ۱۳۷۷، ص ۶۰۵).

لذا علاوه بر فواید عمومی که برای مقابله با جرایم وجود دارد، گاهی در مورد هر رفتار مجرمانه به‌طور خاص فوایدی در جرم‌انگاری رفتارهای خلاف هنجارهای اجتماعی و مدنی موردنظر حقوقدانان بوده است که بزه «اخفای اموال حاصل از جرم» نیز از این قاعده مستثنا نیست و می‌توان آنها را به شرح ذیل بیان نمود.

۳-۱. پیشگیری از وقوع جرم منشأ

توانایی مجرمینی که در جرایم اقتصادی نسبت به پنهان نمودن اموال حاصل از جرم تخصص و مهارت دارند و غالباً دارای تشکیلات مجرمانه و افراد حرفه‌ای تحت استخدام می‌باشند خود می‌تواند سبب تقویت انگیزه ارتکاب بزه‌های اقتصادی و مالی مجرمین

اصلی شود و بدیهی است که چنانچه مرتکبین جرایم اقتصادی و مالی این احتمال را بدهند که امکان اخفای اموال حاصل از جرم و یا مورد معامله نمودن آنها وجود ندارد یا دشوار است، انگیزه ارتکاب جرم در آنان کاهش می‌یابد. در حقیقت، می‌توان گفت که جرم‌انگاری این بزه علاوه بر بازدارندگی و ارعاب خاص مجرمین می‌تواند مانعی در ارتکاب جرایم اصلی و منشأ نیز باشد.

۲-۳. تسهیل کشف جرایم منشأ و دسترسی به مجرمان اصلی

پر واضح است که تعقیب مرتکبین بزه اخفای اموال حاصل از جرم و کشف اموال نامشروع و غیر قانونی و محل اخفای آنها شناسایی و دسترسی به مرتکبین جرایم اصلی و مینا را امکان‌پذیرتر می‌نماید؛ زیرا با کشف و مجازات مرتکبین این‌گونه جرایم موجبات کشف آسان‌تر جرایم منشأ و قبلی فراهم می‌گردد. البته، علاوه بر موارد مارالذکر، به اهدافی مانند جلوگیری از اختلال در نظم اجتماعی و جامعه، حفظ نظم و امنیت، حفظ حدود الهی، بازدارندگی خاص (جلوگیری از تخریب مجرم و تکرار جرم از ناحیه وی)، بازدارندگی عام (نسبت به سایر آحاد جامعه)، ارضای فطرت عدالت‌خواهی قربانی جرم و یا خانواده وی و جبران خسارات بزه‌دیده که در اکثر جرایم مشترک است نیز می‌توان اشاره کرد.

۴. وجوه افتراق بزه‌های «اخفای اموال حاصل از جرم» و «پولشویی» با

تأمل بر دکترین و مقررات نظام حقوقی ایران

حقوقدانان، جرم پولشویی را تلاش عالمانه اشخاص به منظور قانونی جلوه دادن اموال و دارایی‌هایی که ناشی از جرم است تعریف نموده‌اند (مهدوی‌پور، ۱۳۹۰، ص ۱۴۷). بر اساس بند الف ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۲ نیز یکی از مصادیق جرم پولشویی عبارت است از: «تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از فعالیت‌های غیرقانونی با علم به این که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه ارتکاب جرم به دست آمده باشد». اما در بزه «اخفای اموال حاصل از جرم»، مرتکب عالماً و عامداً اموال ناشی از جرم را پنهان می‌نماید. بنابراین، دو جرم فوق دارای تفاوت‌های زیر می‌باشند:

اولاً، قصد روانی جرم پولشویی، قانونی جلوه دادن اموال، سازماندهی و تغییر آنها با پنهان‌سازی منشأ و ماهیت و منبع اصلی عواید حاصل از جرم است؛ اما مرتکب بزه اخفای

اموال حاصل از جرم فقط مبادرت به مخفی نمودن اموال حاصل از جرم بدون قصد در تغییر ماهیت و منشأ اموال حاصله از جرم است. ثانیاً، جرم پولشویی غالباً نسبت به عواید حاصل از جرم روی می‌دهد در حالی که در بزه اخفای اموال حاصل از جرم، مرتکب اکثراً عین اموال حاصل از جرم را مخفی می‌نماید. ثالثاً، در بزه پولشویی، مرتکب قصد تملک اموال را دارد ولی در بزه اخفای اموال حاصل از جرم، مرتکب بزه قصد تملک اموال حاصل جرم را ندارد بلکه فقط مبادرت به مخفی نمودن آنها می‌نماید.

رابعاً، با بررسی قانون مبارزه با پولشویی ملاحظه می‌گردد که در بسیاری از موارد مانند تهیه مقدمات جرم، شروع به جرم، معاونت و ... قانونگذار مبادرت به تعیین مجازات و جرم‌انگاری در مورد اعمال مجرمانه مرتبط با بزه پولشویی نموده است در حالی که با ملاحظه قوانین مختلف ملاحظه می‌گردد که این توجه حتی در مورد اصل تعیین مجازات برای بزه اخفای اموال حاصل از جرم وجود ندارد.

۵. ماهیت بزه اخفای اموال حاصل از جرم در افق قوانین ایران

شناخت ماهیت جرم «اخفای اموال حاصل از جرم» نیازمند تحقیق و تفحص در اطراف ارکان مختلف چنین جرمی است. با این وجود، در مورد عنصر قانونی این جرم متأسفانه در قوانین جزایی کشورمان در اکثر موارد برای مخفی‌کنندگان اموال حاصل از بسیاری جرایم، مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی پیش‌بینی نشده است و با این وصف و به استناد ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که بیان می‌دارد، «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود» قابلیت تعقیب کیفری مرتکبین این‌گونه جرایم نیز با تمسک به اصل قانونی بودن جرم و مجازات، هم‌اکنون در کشورمان وجود ندارد.^۱

البته، در موارد معدودی قانونگذار، مخفی‌کنندگان اموال حاصل از جرم را قابل مجازات

۱. همچنین، نظریه شماره ۷/۵۴۳۱ مورخ ۱۳۷۳/۸/۳۱ اداره حقوقی قوه قضائیه نیز بیان داشته است: «به موجب اصل ۱۶۹ قانون اساسی و ماده ۲ قانون مجازات اسلامی هر فعلی که در قانون مجازات برای آن تعیین شده است جرم محسوب می‌شود و در ق.م.ا. برای خرید اموال ناشی از کلاهبرداری مجازات تعیین نشده است تا خریدار قابل تعقیب و مجازات باشد ولی ذینفع می‌تواند در مورد ابطال معامله انجام شده از طریق محاکم حقوقی اقدام نماید».

دانسته است. برای مثال، ماده ۶۶۲ ق.م.ا (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ بیان داشته است: «هرکس با علم و اطلاع یا با وجود قرائن اطمینان‌آور به اینکه مال در نتیجه ارتکاب سرقت به دست آمده است آن را به نحوی از انحاء تحصیل یا مخفی یا قبول نماید یا مورد معامله قرار دهد به حبس از شش ماه تا سه سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد ...». اما در مورد سایر جرایم مالی مصرحه در این قانون نظیر اموالی که از بابت ارتکاب بزه‌های ارتشا، قمار، خیانت در امانت و تکدی‌گری و ... حاصل شده است قانونگذار ساکت است؛ هرچند که مسترد نمودن این‌گونه اموال از طریق دادگاه‌های حقوقی امکان‌پذیر است^۲ و این نقیصه هم‌اکنون بدین صورت جبران می‌شود.^۳

از سوی دیگر، محاکم هم نمی‌توانند به استناد اصل ۱۶۷ قانون اساسی و به دلیل عدم وجود قانون موضوعه، به منابع معتبر فقهی متمسک گردیده و مرتکبین را مجازات نمایند، چون این امر با اصل ۳۶ قانون اساسی که بیان داشته است، «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد» و همچنین، اصل «قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها»^۴ و قاعده «قیح عقاب بلا بیان» در تعارض است و رویه قضایی نیز از آن تبعیت نمی‌کند.

در مورد عنصر روانی بزه اخفای اموال حاصل از جرم نیز باید گفت که بدون شک مانند اکثر جرایم اقتصادی، کلیه اعمال و رفتار در باب عنصر مادی این جرم می‌بایست با آگاهی و اراده صورت گیرد و سوء نیت مرتکب مسجل شود تا عنوان جرم اخفای اموال حاصل از جرم بر آن صادق باشد.^۵ پس اگر عنصر روانی این بزه به هر دلیلی از جمله نقص در اراده مرتکب و یا حادث شدن اکراه، انجام پذیرد عنوان مجرمانه جزایی بر عمل ارتكابی صدق نخواهد کرد. مضافاً این که، در وقوع و شکل‌گیری عنصر روانی بزه اخفای

۱. لازم به ذکر است که ممنوعیت معامله به قصد فرار از دین به‌طور صوری در ماده ۲۱۸ قانون مدنی، مطابق ماده ۴ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب آذر ماه سال ۱۳۷۷ وصف مجرمانه پیدا کرده است و می‌توان حتی در صورت انتقال مال به انتقال‌گیرنده، خسارات مربوطه را از انتقال‌گیرنده استیفا نمود.

۲. ر.ک: نظریه شماره ۷/۵۴۳۱ مورخ ۱۳۷۳/۸/۳۱ اداره حقوقی قوه قضائیه.

۳. برای نمونه، شعبه سوم شورای حل اختلاف شهرستان گلپایگان در دادنامه شماره ۶۳۸ مورخ ۹۳/۳/۱۵، حکم بر استرداد مال مسروقه (موتورسیکلت) از سوی خریدار آن صادر نموده است.

4. No Crime or Punishment Except in Accordance with the Law: Nulla Poena Sine Lege.

۵. ر.ک: رأی شماره ۱۰۳۲ صادره از شعبه دوم دیوان عالی کشور (نقل از میرمحمدصادقی، ۱۳۸۱، ص ۲۰۹).

اموال حاصل از جرم، اقدام ارادی صرف کافی نیست و علاوه بر آن مرتکب باید علم و اطلاع و سوء نیت خاص جزایی نیز داشته باشد.

بی‌شک، شناخت عنصر مادی این بزه مستلزم تشریح اجزا و عناصری است که مقوم عملیات اجرایی این بزه می‌باشند. اجمالاً عناصر مذکور را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

الف) مال: وجود مالی که مورد اختفا قرار گرفته است اولین شرط تحقق عنصر مادی این بزه است. واژه «مال» از گذشته تا اکنون دچار تحولات اساسی گردیده است. این کلمه در گذشته ویژه کالاهای مادی صرف بود لکن با پیشرفت‌های زندگی بشری این مفهوم از این حیطه خارج شده است و امروزه تمام عناصر گوناگون دارایی مانند زمین و اموال منقول و غیرمنقول و مطالبات و حقوق مالی و حق تألیف و اختراع و سرقتی، مال تلقی می‌شوند (کاتوزیان، ۱۳۸۷، صص ۱۰ و ۱۱). پس نیازی هم به قابل لمس بودن مال برای وجود آن نیست. در فرهنگ‌های فارسی نیز «مال» عبارت است از: «آنچه در ملک کسی باشد و آنچه که ارزش مبادلاتی داشته باشد که به خواسته، دارایی و ... نیز معنا شده است» (معین، ۱۳۸۶، ص ۳۵).

به هر حال، مال را باید چیزی دانست که ارزش داد و ستد دارد و در برابر آن پول یا مال دیگری داده می‌شود. معیار تمیز این ارزش، نوعی و در اختیار عرف است؛ یعنی در بازار معاملات ارزش آن معادل مبلغی پول است. نهایتاً می‌توان گفت: «مال آن چیزی است که پرداخت پول یا یک کالای با ارزش دیگر در مقابل آن، هم از نظر عقل و هم از نظر شرع، جایز شناخته شود» (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۱، صص ۲۰۸ و ۲۰۹).

«مال» در تمامی شقوق آن از جمله منقول و غیرمنقول، اعیان و منافع، حقوق مالی و غیرمالی، اسناد تجاری و غیرتجاری، قابلیت آن را دارد که موضوع بزه اخفای اموال حاصل از جرم قرار گیرد. در حقوق انگلستان و مطابق قانون عواید ناشی از جرم مصوب ۲۰۰۲، «مال» معنای یکسانی دارد و شامل هر چیزی می‌گردد که دارای ارزش و بها در هر کجای دنیا باشد و متهم در آن سود و منفعتی داشته باشد. همچنین، بر طبق بخش ۶۲ قانون قاچاق مواد مخدر مصوب ۱۹۹۴ و بخش ۱۰۲ قانون عدالت جزایی مصوب ۱۹۸۸ این کشور، «مال» شامل پول و تمام انواع مال منقول و غیرمنقول و اشیا و سایر اموال نامحسوس یا غیرمادی می‌گردد.

در عرصه بین‌المللی نیز مطابق ماده ۱ کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با

قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان مصوب ۱۹۹۸ و ماده ۲ کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی مصوب ۲۰۰۰، اموال چنین تعریف شده است: «هرگونه دارایی مادی یا غیرمادی، منقول یا غیرمنقول، محسوس یا غیرمحسوس، اوراق یا اسناد قانونی دال بر داشتن مالکیت و یا سهم در دارایی‌های مزبور» (دلیر، ۱۳۹۰، ص ۳۹).

به هر حال، موضوع این جرم می‌بایست حتماً مال باشد. البته، اخفای اموال و کالاهایی مانند آلات قمار یا مشروبات الکلی که در حقوق ما به تبعیت از تعالیم شرع اسلام ذاتاً فاقد ارزش مالی هستند و از قبیل ارتکاب عمل مجرمانه به دست آمده‌اند نمی‌توانند تحت عنوان بزه «اخفای اموال حاصل از جرم» و موضوع این بزه تلقی گردند (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۱، ص ۲۰۲)؛ هرچند بی‌شک دارای عنوان جزایی خاص دیگری هستند.

در مورد منفعت حاصل از اموال حاصل از جرم نیز باید گفت که در حقوق کشورهای دارای نظام حقوقی «کامن‌لا» مانند انگلستان و آمریکا، اخفای حقوق و منافع اموال نمی‌تواند جرم تلقی گردد؛ اما نظام حقوقی کشورمان در این خصوص ساکت است. همچنین، به نظر می‌رسد که میان منفعت منفصل و منفعت متصل تفکیکی وجود ندارد. لذا شخصی که مبادرت به اخفای بره‌ای می‌نماید که حاصل از گوسفندی است که مورد خیانت در امانت قرار گرفته، مرتکب بزه اخفای اموال حاصل از جرم شده است و به شرط حصول و وجود کلیه عناصر مجرمانه دیگر قابل تعقیب کیفری است.

ملاحظه می‌شود که «مال بودن» شرط اصلی در تشکیل عنصر مادی ارتکاب این بزه است. پس اخفای مجنی‌علیهی که مورد آدم‌ربایی قرار گرفته است به دلیل مال نبودن نمی‌تواند موضوع ارتکاب این بزه باشد.

ب) اخفا: پنهان نمودن یا اخفا، دومین رکن تشکیل‌دهنده عنصر مادی بزه اخفای اموال حاصل از جرایم اقتصادی است؛ بدین معنا که شخص مجرم مرتکب عمل قبول و نگهداری مال و شیء حاصل از یک جرم در نزد خود شود تا به این طریق از کشف جرم اصلی یا استرداد آن به زیان‌دیده جلوگیری نماید (حبیب‌زاده، ۱۳۷۳، ص ۷۶).

شایع‌ترین نوع ارتکاب بزه اخفای اموال حاصل از جرم، از طریق «فعل» صورت می‌پذیرد و تفاوتی نمی‌کند که آیا این اخفای مال در زمان کوتاهی باشد یا برای مدتی طولانی. البته فعل مثبت می‌تواند بالمباشره و یا به تسبیت باشد و در هر دو صورت، رکن مادی بزه محقق گردیده است. رکن مادی این بزه از دو جز یعنی یکی وضع ید نمودن بر

مال حاصل از جرم و دیگری پنهان نمودن آن تشکیل گردیده است که بدون وجود هر یک، وقوع بزه تام موردنظر امکان‌پذیر نیست. بنابراین، اگر مرتکب فقط مبادرت به پذیرش و وضع ید نسبت به اموال حاصل از جرم اقتصادی کند ولی نسبت به اخفای آن اقدام ننماید بدیهی است که جرم موردنظر به وقوع نپیوسته است.

در اخفای هر مالی که از جرم حاصل شده است بایستی شرایط و خصوصیات بزه اصلی موردنظر و تأمل قرار گیرد. پس در جرم سرقت که در حقوق کشورمان فقط نسبت به اموال منقول تسری پیدا می‌کند اخفای اموال غیرمنقول حاصل از جرم سرقت محال است؛ زیرا لازمه اخفا، امکان نقل مکان دادن مال از محلی به محل دیگر است.

هرچند مواردی نظیر تحصیل، تملک، نگهداری، تبدیل، مبادله و انتقال، همگی از طریق انجام فعل مثبت مادی روی می‌دهند و به نظر می‌رسد که اخفای اموال حاصل از جرم نیز از این قاعده مستثنا نباشد ولی گروهی از حقوقدانان معتقدند که اخفا و پنهان نمودن اموال حاصل از جرم می‌تواند از طریق «ترک فعل» هم روی دهد؛ یعنی مرتکب با کتمان کردن و اخفای ماهیت واقعی اموال حاصل از جرم موجب شود که اقدامات مقامات انتظامی و قضایی در کشف بزه اصلی مکتوم و بلااثر گردد و این اخفا و کتمان ماهیت واقعی اموال، از نظر آنان خود جرم مستقلی به نام اخفای حاصل از جرم خواهد بود (ساک، ۱۳۹۰، ص ۱۵۳).

۱.۶ اخفای اموال حاصل از جرم به وسیله اشخاصی غیر از مباشر اصلی جرم (از ابهام تا پاسخ قوانین جزایی ایران)

بزه اخفای اموال حاصل از جرایم اقتصادی، نسبت به خود شخص مرتکب اصلی جرایم اقتصادی قابل تحقق و تصور نیست؛ چراکه غالباً شخص بزه‌کار خود پس از وقوع بزه مبادرت به اخفای آن می‌نماید و موضوع شامل تعدد معنوی جرایم می‌گردد.^۱ بنابراین، لازمه تحقق و شکل‌گیری عنصر مادی جرم اخفای اموال حاصل از جرم،

۱. در این خصوص شعبه دوم دیوان عالی کشور در رأی شماره ۱۲۵۴ مورخ ۱۳۲۴/۸/۲ چنین نظر داده است که «تحقق بزه موضوع ماده ۲۳۰ (ماده ۶۶۲ تعزیرات) موقوف به تحقق اصل سرقت است که مال مورد اتهام به آن وسیله به دست آمده و به عبارت آخری وقوع سرقت از عناصر متشکله بزه مزبور است؛ بنابراین، در مورد این ماده دادگاه موظف به تحقیق در اطراف سرقت است و پس از تحقق سرقت و مسروقه بودن مال خرید یا اخفای آن باید مورد توجه و رسیدگی قرار گیرد» (گلدوزیان، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۳۱۴).

وجود یک بزه اصلی سابق که از سوی شخص دیگری ارتکاب یافته است می‌باشد؛ یعنی می‌بایست یک عمل مجرمانه سابقاً از سوی شخصی ارتکاب یافته باشد و مالی از طریق آن حاصل شده باشد و شخص دیگری غیر از مرتکب اصلی آن را مخفی نماید. این امر را می‌توان از رویه قضایی کنونی بیشتر محاکم تالی^۱ و عالی^۲ کشور در رابطه با بزه سرقت و وحدت ملاک حاصله از آن به وضوح دریافت.

در این راستا، نظریه مشورتی شماره ۷/۱۶۶۷ مورخ ۱۳۶۱/۴/۳ اداره حقوقی قوه قضائیه نیز اذعان می‌نماید که «حمل و نگهداری و اخفای مال مسروقه به وسیله سارق که بدون مجوز، مال مسروقه در ید او قرار گرفته، هر یک به تنهایی جرم مستقلی نمی‌باشد، بلکه این اعمال مستتر در عمل سرقت و کلیه آن اعمال در حکم عمل واحد و یک مجازات برای سارق (سرقت) در نظر گرفته می‌شود» (بازگیر، ۱۳۷۶، ص ۱۶۶).

در رابطه با جرم تلقی شدن بزه اخفای اموال حاصل از جرم از سوی مرتکب اصلی، دلایل مختلفی را در رابطه با عدم جرم تلقی شدن بزه اخفای اموال حاصل از جرم از سوی مرتکب بزه اصلی می‌توان برشمرد:

اولاً، مرتکب بزه اصلی، از حصول «مجرمانه» مالی که خود به دست آورده است اطلاع و علم دارد.^۳

ثانیاً، چون در بیشتر موارد «مخفی کردن» اموال حاصل از جرم ملازمه با بزه اصلی دارد و در تکمیل عنصر مادی آن است لذا اعمال دو مجازات در مورد مرتکب موجه نیست (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۱، ص ۳۱۷).

ثالثاً، در ماده ۶۶۲ ق.م.ا (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ قانونگذار در مورد بزه سرقت، اعمال

۱. در این راستا می‌توان به دادنامه شماره ۱۱۵۵-۹۳۰ مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۹ صادره از شعبه یکم دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان اشاره نمود که در مقام نقض دادنامه شماره ۱۱۴۷-۹۳۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۹ صادره از شعبه ۱۰۱ دادگاه جزایی گلپایگان صادر شده است و با رد استدلال دادگاه بدوی، بزه انتقال مال مسروقه از سارق را جرم علیحده تلقی ننموده و رأی بر براءت متهم صادر نموده است.

۲. برای نمونه در رأی شماره ۱۰۶۹۳-۳۴۶ مورخ ۱۳۱۷/۲/۱۹ صادره از شعبه دوم دیوان عالی کشور آمده است: «ماده ۲۳۰ که می‌گوید هر کس عالماً و عامداً اشیای مسروق را مخفی کند به قرینه قید علم و بر حسب مستفاد از ظاهر آن، ناظر به موردی است که پنهان‌کننده خود، شرکت در اصل سرقت نداشته و عمل او فقط پنهان کردن مال باشد که به وسیله سرقت دیگری به دست آمده است. بنابراین صدور دادنامه به محکومیت کسی هم از جهت سرقت و هم از جهت اخفای مال مسروق، مجوز قانونی ندارد».

۳. ر.ک: نظریه مشورتی شماره ۷/۴۲۳۲ مورخ ۱۳۷۸/۸/۱۸ اداره حقوقی قوه قضائیه.

و اقدامات دیگری همچون تحصیل و قبول کردن مال مسروقه را نیز انشا و مدنظر قرار داده است که خود حکایت از این دارد که این اعمال فقط از سوی شخصی غیر از مرتکب بزه اصلی (سارق) قابلیت ارتکاب دارد و قبول و تحصیل مال مسروقه توسط خود سارق غیرمنطقی است و بدین‌سان قصد قانونگذار در انتساب این ماده به غیر از مرتکب اصلی به راحتی قابل فهم است.

رایعاً، این تفسیر به نفع متهم است و قابلیت تطبیق بیشتری با قواعد حقوق جزا دارد. به هر حال، هرچند قانونگذار با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ خصوصاً در ماده ۱۳۴ آن به وضوح رویکرد خود را تغییر داده است و نظر بر جمع مجازات‌ها در موارد تعدد جرایم دارد لکن این تعدد با توجه به دلایلی که گذشت حکایت از آن دارد که در خصوص بزه اخفای اموال حاصل از جرم نمی‌توان مجازاتی برای مرتکبی که با عنوان مجرمانه‌ای مالی را تحصیل و آن را مخفی نموده است در نظر گرفت.^۱

۷. ماهیت بزه اخفای اموال حاصل از جرم در قانون مجازات فرانسه

مطابق قوانین کیفری ایران از جمله قانون مجازات اسلامی، قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری و ...، هرچند متهم در موارد خاصی می‌بایست اموال ناشی از عمل مجرمانه را که از تعرض به حقوق دیگران کسب کرده است مسترد نماید ولو این که این اموال در تصرف شخص ثالثی است که دارای حسن نیت باشد،^۲ لکن در همه این قوانین، از عمل مجرمانه شخصی که این اموال حاصل از جرم را به نفع مرتکب اصلی مخفی نموده بحثی نشده است. اما در نگاهی تطبیقی جهت بررسی نگرش نظام‌های حقوقی دیگر در رابطه با جرم‌انگاری بزه اخفای اموال حاصل از جرم می‌توان به قانون مجازات فرانسه اشاره نمود که در بسیاری از موارد (خصوصاً در تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) سرلوحه قانونگذاری ما بوده است.

در قانون مجازات فرانسه، بزه موصوف در کتاب سوم یعنی «جنایات و جنحه‌ها علیه اموال» و در عنوان دوم آن با نام «تعرض‌ها علیه اموال» مورد جرم‌انگاری کامل قانونگذار فرانسوی قرار گرفته است. در مبحث نخست از فصل اول این قانون تحت عنوان «در

۱. ر.ک: نظریه شماره ۷/۵۴۳۱ مورخ ۱۳۷۳/۸/۳۱ اداره حقوقی قوه قضائیه.

۲. ر.ک: نظریه شماره ۷/۹۴۲۱ مورخ ۱۳۷۷/۱۲/۱۵ اداره حقوقی قوه قضائیه.

اختفای اموال مسروقه و جرایم در حکم یا هم‌خانواده» و مطابق با ماده ۱-۳۲۱ آمده است: «اختفای اموال مسروقه، اقدام به مخفی کردن، نگهداری یا انتقال شیء یا واسطه‌گری رسمی با هدف انتقال اشیایی است که از یک جنایت یا جناحه به دست آمده‌اند. همچنین اقدام به بهرمندی با شناخت و اطلاع از محصولات ناشی از یک جنایت یا جناحه با هر وسیله‌ای اختفای اموال مسروقه به شمار می‌آید. اخفای مال مسروقه مستوجب پنج سال حبس و ۳۷۵۰۰۰ یورو جزای نقدی است».

بزه اخفای اموال حاصل از جرم از سوی قانونگذار فرانسوی به دلیل رواج آن در رابطه با بزه سرقت در قسمت مجازات‌های مربوط به این بزه آورده شده است؛ لکن در قسمت اخیر ماده مزبور، شمول مجازات مقرر در این ماده را از انحصار بزه سرقت خارج و به اخفای اموال حاصل از کلیه جرایم تسری داده است و حتی در ادامه با گامی مؤثرتر مبادرت به تشدید مجازات مرتکبین این بزه در موارد خاصی نموده است. بر این اساس و مطابق با ماده ۲-۳۲۱ این قانون، «اختفای اموال مسروقه [و طبیعتاً کلیه اموال حاصل از جرم] هنگامی که به صورت ارتکاب یابد، مستوجب ۷ سال حبس ساده و ۷۵۰۰۰ یورو جزای نقدی است: ۱- هنگامی که به شیوه‌ای معمول یا با استفاده از تسهیلاتی که به منظور انجام یک فعالیت شغلی فراهم شده، ارتکاب یابد. ۲- هنگامی که در دسته‌های سازمان‌یافته ارتکاب یابد».

همچنین، مطابق با ماده ۳-۳۲۱ قانون مذکور، کیفرهای جزای نقدی پیش‌بینی شده به موجب مواد ۱-۳۲۱ و ۲-۳۲۱ ممکن است با توجه به ارزش اموال مخفی شده به کمتر از ۳۷۵۰۰۰ یورو تا نصف آن کاهش یابد.

البته، قانونگذار فرانسوی مطابق با مبحث سوم این فصل تحت عنوان «کیفرهای تکمیلی قابل اجرا نسبت به اشخاص حقیقی و مسؤولیت اشخاص حقوقی» و بر اساس ماده ۹-۳۲۱ این قانون، برای اشخاص حقیقی که مرتکب این نوع بزه‌ها شده‌اند یکی از مجازات‌های زیر را پیش‌بینی کرده است که عبارتند از:

- ۱- ممنوعیت از حقوق اجتماعی، مدنی و خانوادگی.
- ۲- ممنوعیت بر اساس شیوه‌های پیش‌بینی شده به موجب ماده ۲۷-۱۳۱ از تصدی یک شغل عمومی یا مبادرت به یک فعالیت شغلی یا اجتماعی که در اجرا یا به مناسبت اجرای آن جرم ارتکاب یافته است. این ممنوعیت می‌تواند در موارد پیش‌بینی شده به

- صورت دائمی یا موقت و برای یک دوره پنج ساله به بالا باشد.
- ۳- تعطیلی مؤسسه‌ها یا یک یا چند مؤسسه تجاری که در ارتکاب وقایع مجرمانه مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این تعطیلی در شرایط پیش‌بینی شده و برای یک دوره پنج ساله به بالا می‌باشد.
- ۴- طرد از اماکن عمومی به‌طور دائم یا موقت در شرایط پیش‌بینی شده و برای یک دوره پنج ساله به بالا.
- ۵- ممنوعیت از صدور چک به جز مواردی که اجازه استرداد وجوه به وسیله صادرکننده را از نزد دارنده یا موارد تعیین شده می‌دهد، برای یک دوره پنج ساله به بالا.
- ۶- مصادره شیئی که در ارتکاب جرم به کار رفته یا برای آن طراحی شده یا شیئی که از آن حاصل شده است، به استثنای اشیای مستعد اعاده به وضع.
- ۷- مصادره یک یا چند سلاحی که محکوم مالک آن است یا در استفاده از آن آزاد است.
- ۸- ممنوعیت از اقامت.
- ۹- اعلام یا انتشار حکم؛ که مطابق با ماده ۱۱-۳۲۱، ممنوعیت از حضور در فرانسه می‌تواند برای همیشه یا یک دوره ۱۰ ساله به بالا علیه هر خارجی که مرتکب جرایم فوق شود، اعمال گردد (ر.ک: گودرزی بروجردی و مقدادی، ۱۳۸۶، صص ۲۴۵ و ۲۴۶).
- مع‌الوصف، در قانون مجازات کشور فرانسه، به صورت بسیار مبسوط و کامل به جرم‌انگاری این عمل مجرمانه پرداخته شده است و حتی در مواردی با توجه به شرایط و کیفیت ارتکاب این بزه، از علل مشدده نیز در تعیین مجازات مرتکبین آن استفاده شده است که می‌تواند برای نظام حقوقی کشورمان به عنوان الگویی مناسب در اصلاح قوانین و قانونگذاری مفید واقع شود.

۸. ماهیت بزه اخفای اموال حاصل از جرم در قوانین کیفری انگلستان

در حقوق انگلستان، اخفای اموال مسروقه^۱ و به‌طور کلی مداخله در اموال مسروقه، یک جرم با مصادیق رفتاری متعدد است که اصولاً با مجازات رسمی و سرکوب‌گر مواجه شده است. ماده ۲۲ قانون سرقت مصوب ۱۹۶۸^۲، که مبنای قانونی جرم‌انگاری این عمل

1. Undertaking the retention of stolen goods for the benefit of another.

2. Theft Act. 1986.

می‌باشد در بند ۱ مقرر داشته است: «یک شخص یا فرد که مداخله در اموال مسروقه می‌کند اگر در غیر از جریان سرقت با علم به این که آن اموال مسروقه هستند، با سوء نیت اموال مذکور را تحصیل کند یا در نگهداری، جا به جایی، اداره کردن یا تبدیل کردن و فروش آنها توسط دیگری یا به نفع دیگری مساعدت کرده یا این امور را عهده‌دار شود و یا این که ترتیبات انجام امور یاد شده را فراهم سازد».

با توجه به فحوائی ماده قانونی مذکور، در حقوق انگلستان رفتار فیزیکی لازم برای تحقق جرم مداخله در اموال مسروقه به طرق مختلفی چون تحصیل، بر عهده گرفتن و نگهداری، اداره کردن، مساعدت در تبدیل و ... قابل تحقق است. بنابراین، در حقوق انگلستان جرم اخفا و مداخله در اموال مسروقه، خارج از چهارچوب اصل جرم سرقت ارتكابی مورد تقنین قرار گرفته است (Heaton, 2006, pp.380&381).

همچنین، طبق ماده ۲۲ قانون سرقت انگلستان باید گفت که جرم مذکور در حقوق این کشور منحصرأً به صورت فعل مادی مثبت محقق می‌شود و به واسطه ترک فعل قابل تحقق نیست. در واقع، در حقوق انگلستان حتی مساعدت در اخفای اموال مسروقه هم اساساً یک فعل محسوب می‌شود و نه ترک فعل.

در حقوق انگلستان نیز شرط تحقق جرم اخفا و مداخله در اموال مسروقه، ارتكاب سرقت توسط شخصی غیر از سارق است. لذا برای رفتار سارقی که مالی را می‌رباید و آن را برای مدتی مثلاً یک سال نگهداری می‌نماید نمی‌توان قائل به عناوین متعدد جرم شد و در چنین حالتی اساساً جرم اخفای اموال مسروقه محقق نشده و مصداق ندارد. شرط دیگر این است که بایستی حتماً اموال موضوع جرم سرقت مسروقه باشند و رفتارهای مثبت و مادی بزهکار در غیر از جریان سرقت واقع شده باشد. لذا اگر رفتار و مساعدت و اخفا، در متن و همزمان با عملیات اجرایی سرقت واقع شود عمل مرتکب حسب مورد مصداق مشارکت یا معاونت در جرم خواهد بود.

طبق ماده ۲۲ قانون فوق، در حقوق انگلستان عنصر روانی جرم اخفاس اموال مسروقه متشکل از دو جزء است؛ یکی این که، عملی که به عنوان مداخله انجام می‌گیرد باید فنی نفسه توأم با سوء نیت باشد و دیگر این که، متهم یا مرتکب در زمان انجام عمل، علم یا باور داشته باشد که اموال مسروقه هستند. فقدان این اجزا همواره یک دفاع به شمار آمده و مانع از تحقق جرم مداخله در اموال مسروقه می‌گردد. لذا در مواردی که شخص با علم

و آگاهی اموال مسروقه را تحصیل و مخفی می‌نماید لکن قصد دارد آنها را به صاحب مال یا مقامات قضایی تحویل دهد، به علت فقدان سوء نیت در لحظه ارتکاب عنصر مادی جرم، عمل وی فاقد وصف مجرمانه خواهد بود.

لازم به ذکر است که علم مخفی‌کننده اموال به مسروقه بودن آنها یک معیار ذهنی صرف است که بایستی در لحظه ارتکاب عنصر مادی یعنی لحظه مداخله در اموال به واسطه ارتکاب فعل اخفا، وجود داشته باشد. همچنین، معیار علم و آگاهی در حقوق انگلستان کاملاً شخصی است و نه نوعی؛ یعنی تحقق علم در نزد شخص مخفی‌کننده لازم و شرط است.

نهایتاً طبق بند ۲ ماده ۲۲ قانون سرقت انگلستان، مجازات جرم اخفا و مداخله در اموال مسروقه به طور کلی حداکثر تا چهارده (۱۴) سال حبس می‌باشد که مجازات بسیار سخت و شدیدی تلقی می‌گردد (Gooch&Williams, 2007, pp.226&227).

همچنین، این جرم در حقوق انگلستان فاقد نصاب حداقلی برای مجازات است و مقنن صرفاً به بیان حداکثر اکتفا نموده و اختیار تعیین هر نصابی از آن را به محاکم واگذار کرده است. لذا همان‌طور که ملاحظه می‌شود، میزان مجازات مقرر در قانون سرقت انگلستان به مراتب شدیدتر از مجازات تعیین شده در حقوق کیفری و قانون مجازات اسلامی (شش ماه تا سه سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق) می‌باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه

به نظر می‌رسد که سیاست جنایی تقنینی ایران در رابطه با پدیده مجرمانه بزه «اخفای اموال حاصل از جرم» چندان کارآمد نیست و در این خصوص جرم‌انگاری لازم صورت نگرفته است. خصوصاً وقتی که این بزه از سوی شخصی غیر از مرتکب بزه اصلی ارتکاب یافته باشد پیشگیری و سزادهی بزه مذکور و عناوین مشابه آن اساساً مناسب نیست. هرچند، غالباً دستگاه قضایی کشورمان سعی نموده است با ایجاد رویه‌های قضایی و در عمل، این نقیصه را تا حدودی جبران نماید و مرتکبین این بزه را با تمسک به سایر قوانین مانند ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری و ... به مجازات برساند ولی به لحاظ نقص قانون، نیل به این هدف به صورت کامل امکان‌پذیر نبوده است.

لذا ضروری است که قانونگذار کشورمان با تصویب قوانین جدید و تجدیدنظر در قوانین کیفری موجود، کلیه اقدامات و فعالیت‌های مجرمینی را که به اخفای اموال حاصل از اعمال مجرمانه مانند قاچاق کالا و مواد مخدر، خرید و فروش اسلحه و اختلاس، کلاهبرداری، خیانت در امانت و ... مبادرت می‌ورزند جرم‌انگاری نماید و در این مسیر می‌تواند به عنوان الگویی مناسب از قانون مجازات فرانسه که حتی با بیان جزئیات به تقنین مقرراتی منسجم در مورد این عمل مجرمانه و تشدید مجازات مرتکبین این‌گونه جرایم پرداخته است، استفاده کند تا علاوه بر تسهیل کشف جرایم منشأ و دسترسی به مجرمان اصلی آن، موجبات پیشگیری از وقوع جرم‌های منشأ و اصلی را نیز فراهم سازد.

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

۱. بازگیر، یدالله؛ سرقت، جعل و خیانت در امانت در آرای دیوان عالی کشور، نشر حقوقدان، ۱۳۷۶.
۲. حبیبزاده، محمدجعفر؛ حقوق جزای اختصاصی، جلد اول، سمت، چاپ اول، ۱۳۷۳.
۳. دلیر، حمید؛ حقوق مصادره، میزان، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۴. ساکی، محمدرضا؛ حقوق کیفری اقتصادی، جنگل، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۵. کاتوزیان، ناصر؛ دوره مقدماتی حقوق مدنی (اموال و مالکیت)، میزان، چاپ بیست و یکم، ۱۳۸۷.
۶. استفانی، گاستون؛ لواسور، ژرژ و بولوک، برنار؛ حقوق جزای عمومی (ضمانت اجرایی: مجازات‌ها و اقدامات تأمینی)، جلد دوم، ترجمه حسن دادبان، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷.
۷. گلدوزیان، ایرج؛ حقوق جزای اختصاصی، جلد ۱، جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۸.
۸. گودرزی بروجردی، محمدرضا و مقدادی، لیلا؛ قانون مجازات فرانسه، نشر معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۶.
۹. مصدق، محمد؛ شرح قانون مجازات اسلامی، جنگل، چاپ سوم، ۱۳۹۲.
۱۰. معین، محمد؛ فرهنگ فارسی، جلد دوم، امیرکبیر، چاپ ششم، ۱۳۸۶.
۱۱. مهدوی‌پور، اعظم؛ سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، میزان، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۱۲. میرمحمدصادقی، حسین؛ جرایم علیه اموال و مالکیت، میزان، چاپ نهم، ۱۳۸۱.

ب. منابع خارجی

13. Gooch, Graham & Williams, Michael; *A Dictionary of Law Enforcement*, Oxford University Press, First Published, NewYork, 2007.
14. Heaton, Russell; *Criminal Law*, Oxford University Press Second Edition, NewYork, 2006.

**"Concealment of Criminal Property" in Iranian Legal Context
Compared to French and English Criminal Law Approaches**

Arthur G. Vagharshyan*
Abolfazl Ameri Shahrabi**

Received: 30/04/2017

Accepted: 12/08/2017

Abstract:

Concealment and retention of properties resulted from the commission of a crime is an act which in the Romano-Germanic and Common Law systems is more or less subjected to criminalization by legislators of different countries and therefore punishable. This offense which is a kind of mediation in the illegally generated proceeds after successful commission of the crime is a prelude to actually making gains from the property subject of crime and can itself indirectly prepare the ground for encouragement of criminals, giving them the incentives to repeat their offenses. Hence, in an effort to thwart the rational calculations of criminals for selling and making profit out of the illegally acquired properties and objects, and curb its rapid growth and discourage the potential offenders, the legislators with concrete restrictions try to criminalize all sorts of handling such properties, either by the perpetrator of the original crime or by others, and punish the perpetrators. However, while there are the shared views and concordance between the legal system of England as the cradle of the Common Law, the French legal system as the most typical representative of the Romano-Germanic law, and even other legal systems, converging around the idea of "constraining and crackdown of the economic transactions on the properties obtained by crime", the approaches of different legal systems about the subject and criminalization of concealment of criminal property have tangible differences. Unfortunately the legal system of our country has not been performing well and only in regard to certain offenses, such as theft, criminal procedures have been incompletely introduced. It is obvious that the existing laws, in the current state, lack the adequate preventive potential. This paper, based on the existing theoretical background and the literature on concealment of property obtained by crime, studies this offense in the context of the Iranian legal system with a comparative look at the English and French legal systems through which various aspects of this crime in the three legal systems in terms of their similarities and discrepancies are discussed.

Key words: Criminalization, Property Obtained by Crime, Concealment.

*Professor of Law, Faculty of Yerevan State University.

avagharshyan@ysu.am

**Ph.D Student of History and Theories of State and Law of Yerevan State University.

a_ameri60@yahoo.com